



حدیث غدیر

در کلام اهلیت

عبدالکریم پاک نیا

ولایت حق مداران است.
آری، کعبه علم توحید، قرآن
نشانه نبوت و غدیر آفتاب امامت را
می نمایند. غدیر باید جاودانه بماند و
چراغ پر فروغ اسلام را همیشه روشن
نگه دارد.

نوشتار حاضر، در همین راستا
کوشیده است به تلاشهای اهل
بیت علیهم السلام در احیای خاطره با شکوه
غدیر و احتجاج به این برهان قاطع،
نگاهی انداخته، موارد سودمندی را به
خوانندگان گرامی تقدیم کند.

علی علیه السلام و احتجاج به حدیث غدیر
گاهی می پرسند: چرا علی علیه السلام در

حدیث غدیر یکی از متقن ترین
دلایل حقانیت باورهای شیعی در طول
تاریخ اسلام بوده و هست؛ چرا که
حدیث غدیر به عنوان آخرین پیام
رسالت پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله و منشور ابدی
امامت و حجتی قاطع برای تمامی
مسلمانان جهان تاروز قیامت می باشد.
بنیانگذار غدیر آن چنان واضح و
روشن سخن گفته است که برای احدی
جای انکار و تردید باقی نمی گذارد.
غدیر یک حادثه ساده و یا خاطره
معمولی نیست، بلکه قلب و روح
فرهنگ متعالی اسلام و مبنای
مشروعیت رهبری الهی و تثبیت

اثبات حقانیت خویش به حدیث واضح و غیر قابل انکار غدیر استدلال نکرده است؟ این سؤال ظاهراً از سوی مخالفین آن حضرت به صورتی زیرکانه شیوع یافته است؛ چرا که امام علی علیه السلام در هر فرصت ممکن به حدیث غدیر و ماجرای آن اشاره کرده و وصایت و خلافت بلافصل خویش را بعد از نبی مکرم اسلام صلی الله علیه و آله اثبات نموده است؛ به عنوان نمونه به موارد زیر توجه کنید:

۱. علی علیه السلام هنگامی که به اجبار در مراسم بیعت با خلیفه اول حاضر شده بود، به حدیث غدیر استناد کرد و فرمود: «يَا مَعْشَرَ الْمُهَاجِرِينَ وَالْأَنْصَارِ أَنْشِدْكُمْ بِاللَّهِ أَسْمِعْتُمْ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ يَوْمَ غَدِيرِ كَذَا وَكَذَا؛ ای جمعیت مهاجر و انصار! شما را به خدا سوگند می‌دهم، آیا شنیدید که رسول خدا صلی الله علیه و آله در روز غدیر [در مورد ولایت و رهبری من] چنین و چنان گفت؟» و آن‌گاه تمام موارد خطبه پیامبر صلی الله علیه و آله را درباره وصایت و جانشینی خویش بعد از نبوت بیان کرد.^۱

۲. ابن عباس می‌گوید: علی علیه السلام در

هنگام خلافت خویش روزی در اجتماع بزرگ مردم کوفه به حدیث غدیر استناد کرد و با مردم اتمام حجت نمود. آن حضرت در آن خطابه مهم خویش فرمود: تمام فرد فرد مسلمانان را که در روز غدیر حضور داشتند، به خدا سوگند می‌دهم، آیا شنیدید آنچه را که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله درباره من در خطابه غدیر خم بیان کرد؟ هفده نفر از سرشناسان و اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله از میان جمع به پا خاستند و گفتند: آری! ما شاهد بودیم هنگامی که حضرت محمد صلی الله علیه و آله در غدیر خم دست تو را گرفت و فرمود: ای مردم! آیا می‌دانید که من از خود شما بر شما اولویت دارم؟ گفتند: بلی. در آن هنگام پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَهَذَا عَلِيٌّ مَوْلَاهُ اللَّهُمَّ وَالِ مَنْ وَالَاهُ وَعَادِ مَنْ عَادَاهُ؛^۲ هر کس من مولای او هستم، این علی هم مولای اوست. خدایا!

۱. احتجاج طبرسی، احمد بن علی طبرسی، مشهد، نشر مرتضی، ج ۱، ص ۱۱۰؛ الغدیر، علامه عبد الحسین امینی، بیروت، دار الکتب العربی، ج ۱، ص ۱۵۹ به بعد.

۲. بنایع المودة، شیخ سلیمان قندوزی، نشر دار الاسوة، ج ۱، ص ۱۰۶.

۵. آن حضرت در شورای شش نفره منتخب خلیفه دوم نیز به حدیث غدیر احتجاج کرد.^۱

همچنین امام علی علیه السلام برای طلحه قبل از آغاز جنگ جمل، در صفین برای فرستادگان معاویه، در مسجد کوفه، در میدان کوفه، پس از جنگ نهروان و در موارد متعدد دیگری به حدیث غدیر استناد جسته است.

حضرت فاطمه علیها السلام

دختر گرامی رسول خدا صلی الله علیه و آله حضرت فاطمه زهراء علیها السلام نیز که خود حضور حماسی در ماجرای مهم غدیر داشته است، بارها به این دلیل متیقن ولایت استناد کرد و اتمام حجت نمود. آن حضرت در ضمن گفتاری، مسلمانان خفته را مورد خطاب قرار داد و یادآور شد: «أَتَسِئْتُمْ قَوْلَ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله يَوْمَ غَدِيرِ حَمٍّ مَن كُنْتُمْ مَوْلَاءَ فَعَلَيْكُمْ مَوْلَاهُ؟»^۲ آیا سخنان رسول خدا صلی الله علیه و آله

دوست بدار هر کس که او را دوست می‌دارد و دشمن بدار هر کس که او را دشمن می‌دارد!

۳. امام بار دیگر در مسجد مدینه جایگاه خویش را در حکومت اسلامی تبیین کرد و با بیان حقانیت خود، فرمود: «مگر رسول خدا صلی الله علیه و آله در روز غدیر خم حجت را بر مردم تمام نکرد؟ و مگر جای عذری برای مردم باقی مانده است؟»^۱

۴. در خطبه «وسیله» نیز حضرت به حدیث غدیر و آیه اکمال دین استناد کرد. آن حضرت ۷ روز پس از وفات پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله خطبه‌ای بسیار طولانی ایراد کرده، در فرازی از آن فرمود: «وقتی گروهی گفتند: ما بعد از پیامبر صلی الله علیه و آله رهبران مردم هستیم، رسول خدا صلی الله علیه و آله برای حجة الوداع از مدینه خارج شد و پس از اعمال حج به وادی غدیر خم رفت و فرمان داد چیزی مانند منبر برایش تهیه کنند. سپس بالای آن رفت و بازوی مرا گرفت و بلند کرد و آن‌گاه جمله معروف خود «مَنْ كُنْتُ...» را به همه مسلمانان رسانید.»^۲

۱. احتجاج، طبرسی، ج ۱، ص ۱۸۴.

۲. روضة الكافي، محمد بن یعقوب کلینی،

طهران، دار الکتب الاسلامیه، ج ۸، ص ۲۷.

۳. امالی، محمد بن حسن طوسی، انتشارات دار

الثقایة، ص ۳۳۳.

۴. خلاصة عقبات الانوار، سید حامد نقوی، نشر

را در روز غدیر خم فراموش کردید که [فرمود:] هر که را من مولای اویم، پس علی مولای اوست؟»

حضرت زهراء علیها السلام سپس عذرهای و بهانه‌های واهی عده‌ای از مسلمانان سست عنصر را رد نمود و اضافه کرد: «پس از غدیر خم خداوند برای هیچ کس عذر و بهانه‌ای باقی نگذاشته است.»

هنگامی که مهاجرین و انصار در عذرخواهی و پوزش اصرار می‌ورزیدند، دختر پیامبر صلی الله علیه و آله آنان را سرزنش کرد و گفت: «دور شوید و مرا به حال خودم واگذارید! پس از کوتاهی و سهل انگاری، دیگر جایی برای عذر خواهی باقی نمانده است. آیا پدرم پس از حادثه با شکوه غدیر برای سکوت، بی تفاوتی و پوزش راهی باقی گذاشت؟»

و آن‌گاه که کودتاگران سقیفه تصمیم گرفتند به خانه ولایت هجوم برند و مردم فریب خورده در اطراف خانه علی علیه السلام گرد آمدند، حضرت زهراء علیها السلام از خانه بیرون آمد و در کنار در ورودی منزل ایستاد و خطاب به

مردم کوچه و بازار فرمود: «من ملتی را مثل شما نمی‌شناسم که این‌گونه عهد شکن و بد برخورد باشند. جنازه رسول خدا صلی الله علیه و آله را بر روی دست ما گذاشتید و رها کردید. عهد و پیمانهای بسین خود را شکستید و ولایت و رهبری علی علیه السلام و ما اهل بیت را انکار کردید و حق مسلم ما را باز نگرداندید. گویا از آنچه رسول خدا صلی الله علیه و آله در روز غدیر خم فرمود، آگاهی ندارید!

سوگند به خدا! رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله در آن روز، ولایت و رهبری امام علی علیه السلام را مطرح کرد و از مردم بیعت گرفت تا امید شما فرصت طلبان تشنه قدرت را قطع کند؛ ولی شما رشته‌های پیوند معنوی میان پیامبر صلی الله علیه و آله و خودتان را پاره کردید. این را بدانید که خداوند در دنیا و آخرت بین ما و شما داوری خواهد کرد.»^۱

مؤسسه البعثة، ج ۷، ص ۱۸۸.

۱. الامامة والسياسة، ابي محمد بن قتيبة دنيوري، مصر، مؤسسة الحلبي، ج ۱، ص ۱۲؛ بحار الانوار، علامه محمد باقر مجلسي، مؤسسة الوفاء، ج ۲۸، ص ۲۰۵؛ سيره حلبي، علي بن برهان الدين شافعي حلبي، بيروت، نشر دار المعرفة، ج ۳، ص ۳۰۸؛ فرهنگ سخنان حضرت

حضرت زهراء علیها السلام از همان لحظه‌های آغازین اعلام ولایت امیر مؤمنان علیه السلام در غدیر خم و تحقق بیعت عمومی برای رهبری علی علیه السلام از پیمان شکنی و دورویی مخالفان غدیر، آگاهی داشت. آن‌گاه که حارث بن نعمان مخالفت کرد و گفت: خدایا! اگر ولایت علی علیه السلام به حق از طرف تو اعلام شده، سنگی بر من فرود آید و به زندگی ام خاتمه دهد. عذاب الهی نازل گشت و فوراً سنگی از آسمان فرود آمد و او را کشت. در آن حال، حضرت زهراء علیها السلام با روشن بینی ویژه خود خطاب به علی علیه السلام گفت: «ای ابوالحسن! آیا گمان می‌کنی در مخالفت با غدیر این مرد تنهاست؟ سوگند به خدا! او پیشگام گروهی است که هنوز نقاب چهره‌شان فرو نیفتاده است و هر گاه فرصت یابند، مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.»^۱

امام حسن مجتبی علیه السلام

امام حسن مجتبی علیه السلام نیز به نوبه خود برای اثبات حقانیت اهل بیت علیهم السلام و خلافت بلافصل پدر گرامی اش علی علیه السلام به ماجرای غدیر و آیات و

روایات در موارد متعددی اشاره کرده است. ابوالعباس بن عقده از دانشمندان اهل سنت در این زمینه می‌نویسد:

حسن بن علی علیه السلام پس از موافقت در صلح معاویه، برای روشن شدن اذهان عمومی خطبه‌ای خواند. آن حضرت بعد از حمد و ثنای الهی و تسبیب جایگاه رسالت حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم، به فضائل و مناقب اهل بیت علیهم السلام پرداخته، فرمود: «ما اهل بیتی هستیم که خداوند متعال ما را به اسلام گرامی داشت و از میان سایرین برگزیده و از ما پلیدی و آلودگی‌ها را دور گردانیده و پاک و مطهرمان قرار داده است. از زمان آدم تا زمان جد من، حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم مردم دو گروه نشدند، مگر آنکه ما را در بهترین آن دو گروه قرار داد. هنگامی که خداوند به پیامبرش دستور داد مردم را به سوی خدا دعوت کند، پدرم اولین کسی بود که خدا و رسول صلی الله علیه و آله و سلم را اجابت کرد و

فاطمه علیها السلام، محمد دشتی رحمته الله علیه، نشر مشهور، ص

۲۳ و ۱۹۳.

۱. همان مأخذ.

اول کسی بود که ایمان آورد.»

و در ادامه فرمود: «این امت از جدّ من شنیدند که در مورد علی علیه السلام فرمود: «أَنْتَ مِنِّي بِمَنْزِلَةِ هَارُونَ مِنْ مُوسَى إِلَّا أَنَّهُ لَنَا نَبِيٌّ بَعْدِي؛ تو نسبت به من همانند هارون نسبت به موسی هستی، جز اینکه بعد از من پیامبری نخواهد بود.» این امت دیدند و شنیدند که پیامبر صلی الله علیه و آله در روز غدیر خم دست پدرم علی علیه السلام را گرفت و فرمود: «مَنْ كُنْتُ مَوْلَاً فَعَلَيْ مَوْلَاةِ اللَّهِ وَالِ مِنْ وَالَاءِهِ وَعَادٍ مِنْ عَادَائِهِ!» و سپس به آنان فرمود: حاضرین به غایبین اطلاع دهند.»^۱

احتجاج امام حسین علیه السلام به حدیث

غدیر

سلیم بن قیس هلالی در پیرامون سخت‌گیریها و مزاحمت‌های خصمانه معاویه بن ابی سفیان بر شیعیان و وابستگان علی علیه السلام بعد از شهادت آن حضرت، سخنان جامعی ایراد کرده، می‌گوید:

دو سال قبل از مرگ معاویه، حسین بن علی علیه السلام به همراه عبد الله بن عباس و عبد الله بن جعفر و گروهی از بنی هاشم و شیعیانش برای زیارت

خانه خدا به مکه مشرف شد و در آنجا گروه دیگری نیز از تابعین انصار و مسلمانان پاکدامن را گرد آورد و سایر حجاج را نیز به یک همایش عمومی دعوت کرد و سخنان مبسوط و روشنگرانه‌ای درباره شخصیت مولای مستقیان علی علیه السلام بیان فرمود. امام حسین علیه السلام بعد از ذکر ثنای الهی به جنایات معاویه اشاره کرد و فرمود:

«شما فهمیدید که این ستمگر جنایتکار (معاویه) چه بر سر ما و شیعیان ما آورد! خبرهای ظلم و تعدی او در این مورد به همه شما رسیده است. من می‌خواهم از شما سؤالی بکنم؛ اگر صداقت و راستی مرا پذیرفتید، مرا تصدیق کنید و اگر بر خلاف حقیقت چیزی از من شنیدید، مرا تکذیب نمایید! سخنان مرا بشنوید و گفتار مرا بنویسید و سپس در مراجعت به شهر و دیار خود به انسانهای حقیقت‌جو و پاک سرشت و مورد اعتماد برسانید!»

حضرت در ادامه آیاتی را که در

۱. الغدیر، ج ۱، ص ۱۹۸.

مورد اهل بیت علیهم السلام نازل شده، تلاوت کرد و توضیح و تفسیر آنها را بیان فرمود. آن‌گاه به ماجرای غدیر اشاره کرد و در مورد ولایت علی علیه السلام فرمود: «شما را به خدا سوگند می‌دهم، آیا آگاهی دارید که رسول خدا صلی الله علیه و آله علی علیه السلام را در روز غدیر خم به رهبری امت و جانشینی خویش منصوب کرد؟ و ولایت او را با جمله معروف خود اعلام و تأکید کرد: حاضرین به غائبین اطلاع دهند؟ همه گفتند: بلی، به خدا که ما از این جریان باخبریم.»^۱

خود را به پایان نرسانده‌ای. و اگر در روز غدیر ولایت تو را ابلاغ نمی‌کردم، اعمال گذشته‌ام نابود شده؛ چرا که هر کس خدا را بدون ولایت تو ملاقات کند، اعمال گذشته‌اش نابود شده است. این وعده حتمی خدا به من است.»^۲

امام سجاده علیه السلام

امام سجاده علیه السلام سخن رسول خدا صلی الله علیه و آله را در روز غدیر خم که فرمود: «مَنْ كُنْتُ مَوْلَاً فَعَلَيْ مَوْلَاً» این‌گونه تفسیر فرمود: «یعنی به مردم خبر داد که امام و رهبر مردم بعد از رسول خدا صلی الله علیه و آله، علی علیه السلام است.»^۳

امام باقر علیه السلام

امام باقر علیه السلام نیز بر اهمیت حادثه غدیر تأکید کرد و به ابان بن تغلب فرمود: «ای ابا سعید! مقصود پیامبر صلی الله علیه و آله از جمله معروف خود که در روز غدیر خم اعلام کرد، این است که امیر مؤمنان

امام در سخنان ارزنده دیگری نیز شخصیت امام علی علیه السلام را از دیدگاه رسول خدا صلی الله علیه و آله بررسی کرده و شناسانده و در فرازی از سخنانش به شأن نزول آیه بلاغ پرداخته، سخن پیامبر صلی الله علیه و آله را خطاب به علی علیه السلام نقل کرد که «خدای بزرگ وقتی در این آیه فرمود: ﴿يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ﴾؛ «ای پیامبر! آنچه از طرف پروردگارت بر تو نازل شده ابلاغ کن!» یعنی ولایت تو را یا علی! باید ابلاغ می‌کردم و خدا به من فرمود: اگر امروز ولایت علی را ابلاغ نکنی، رسالت

۱. الغدير، ج ۱، ص ۱۹۹.

۲. تفسیر برهان، سید هاشم بحرانی، مؤسسه البعثة، ج ۱، ص ۴۸۸؛ فرهنگ سخنان امام حسین علیه السلام، محمد دشتی رحمته الله علیه، نشر مشهور، ص ۱۰۶.

۳. معانی الاخبار، شیخ صدوق، انتشارات جامعه مدرسین، ص ۶۵.

در میان مردم جانشین من خواهد بود.^۱

همچنین آن حضرت روزی در جمع یاران خویش که فضل بن یسار، بکیر بن اعین، محمد بن مسلم، برید بن معاویه و ابو الجارود نیز در میان آنان دیده می شدند، ولایت علی علیه السلام را تشریح کرد و با اشاره به حادثه تاریخی غدیر فرمود: «خداوند پیامبرش را به ولایت علی علیه السلام مأمور کرد و این آیه شریفه را نازل فرمود: ﴿إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَ يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَ هُمْ رَاكِعُونَ﴾^۲ با نزول آیه فوق، ولایت اولی الامر واجب گردید و لکن عده ای نفهمیدند اولی الامر چه کسانی هستند؟ خداوند به محمد صلی الله علیه و آله دستور داد تا آن را توضیح دهد و همانند نماز و زکات و روزه و حج، مصادیق خارجی آن را روشن سازد. در آن هنگام، اضطراب او را فرا گرفت و از تکذیب گروهی و خروج عده ای از دین اسلام به واسطه نپذیرفتن این فرمان ترسید و به خداوند پناهنده شد. خداوند نیز برای آرامش و اطمینان خاطر رسولش آیه بلاغ [یعنی] ﴿يَا أَيُّهَا

الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ﴾^۳ را نازل کرد. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله نیز از دستور خداوند متعال اطاعت کرد و در غدیر خم فرمان داد تا مردم و زائرین خانه خدا اجتماع و به دستور الهی گوش کنند. آن گاه علی بن ابی طالب علیه السلام را ولی و سرپرست مردم بعد از خود قرار داد و امر کرد آنان که در آنجا حاضرند، به دیگران نیز این حکم الهی را بیان کنند.»

آن حضرت آن چنان مسئله غدیر و اهمیت آن را مورد تأکید و عنایت قرار می داد که در جلسات او موضوع غدیر معمولاً مطرح می شد. کمیت بن زید اسدی شاعر اهل بیت علیهم السلام در یکی از آن جلسات، قصیده بلیغ خود را در زمینه غدیر انشاء کرد.^۴

امام صادق علیه السلام

زید شحام در محضر حضرت

۱. همان، ص ۶۶.

۲. مانده / ۵۵، «همانان ولی شما خدا و رسول او و کسانی هستند که ایمان آوردند. کسانی که نماز را اقامه کرده و زکات می دهند، در حالی که در رکوعند.»

۳. همان / ۶۷.

۴. مناقب، محمد بن شهر آشوب مازندارانی، انتشارات علامه، ج ۲، ص ۳۶.

صادق علیه السلام بود که مردی معتزلی از امام علیه السلام درباره سنت پرسید. حضرت در پاسخ فرمود: «حکم هر چیزی که فرزند آدم به آن نیاز دارد، در سنت خدا و پیامبر صلی الله علیه و آله بیان شده است و اگر سنت خدا و رسول صلی الله علیه و آله نبود، خداوند هرگز بر بندگان احتجاج نمی کرد.» آن مرد پرسید: خداوند با چه چیزی بر ما احتجاج خواهد کرد؟ حضرت صادق علیه السلام فرمود: «الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضَيْتُ لَكُمْ الْإِسْلَامَ دِينًا». بدین وسیله ولایت را تمام گردانید و اگر سنت یا فریضه تمام نبود، خدا به آن احتجاج نمی کرد.^۱

در روایتی دیگر، احتجاج امام ششم علیه السلام به ماجرای غدیر این گونه ترسیم شده است: حسان جمال می گوید: همراه امام صادق علیه السلام از مدینه به مکه مسافرت کردم. در نزدیکی میقات جحفه چون به مسجد غدیر رسیدیم، امام علیه السلام به جانب چپ مسجد نگرسته، فرمود: «آنجا محل قدمهای پیامبر صلی الله علیه و آله است؛ مکانی است که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در روز غدیر علی علیه السلام را جانشین معرفی کرد و فرمود: «مَنْ كُنْتُ

مَوْلَا فَعَلَيْ مَوْلَا». آن گاه امام علیه السلام به جانب دیگر نگاه کرد و فرمود: «محل استقرار خیمه های ابی فلان و فلان و سالم غلام ابو خدیفه و ابو عبیده جراح نیز در آنجا بود. گروهی از مردم چون علی علیه السلام را بر روی دست پیامبر صلی الله علیه و آله دیدند، با حسادت بر وی نگرستند و به یکدیگر می گفتند: به دو چشم او (پیامبر) نگاه کنیدا چگونه همانند دیوانه به اطراف خویش می نگرد و قرار ندارد! در این هنگام، جبرئیل علیه السلام نازل شد و این آیه را بر رسول خدا صلی الله علیه و آله آورد: «وَإِنْ يَكَادُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَيُزْلِقُونَكَ بِأَبْصَارِهِمْ لَمَّا سَمِعُوا الذِّكْرَ وَيَقُولُونَ إِنَّهُ لَمَجْنُونٌ وَمَا هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِلْعَالَمِينَ»؛^۲ «کافران هنگامی که آیات قرآن را شنیدند، نزدیک بود با چشم زخم خود تو را از بین ببرند و آنها می گفتند: او واقعاً دیوانه است؛ در حالی که آیات قرآن جز مایه بیداری برای جهانیان نیست.»^۳

۱. تفسیر برهان، ج ۱، ص ۴۴۶.

۲. قلم / ۵۱ و ۵۲.

۳. الکافی، محمد بن یعقوب کلینی، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ج ۴، صص ۵۶۶-۵۶۷، ح ۲.

امام کاظم علیه السلام

حضرت موسی بن جعفر علیه السلام نیز در مناسبتها و فرصتهای به دست آمده، به حدیث غدیر و ماجرای شورانگیز و تاریخی آن اشاره می‌کرد و مردم را از حقیقت ماجرا مطلع می‌ساخت. عبد الرحمن بن حجاج از جمله افرادی است که امام در سخنانش او را از این حقیقت مسلم تاریخی آگاه کرد. عبد الرحمن برای خدا حافظی به خاطر سفر به مکه نزد امام کاظم علیه السلام آمد و از نماز در مسجد غدیر خم پرسید. امام فرمود: «صَلِّ فِيهِ فَإِنَّ فِيهِ فَضْلاً وَ قَدْ كَانَ أَبِي يَأْمُرُ بِذَلِكَ»^۱ در آن مکان [مقدس] نماز بخوان که فضیلتی بس عظیم دارد و پدرم همواره به نماز خواندن در آنجا دستور می‌داد.»

امام رضا علیه السلام

احمد بزندی از یاران امام رضا علیه السلام سخنان آن بزرگوار را در احتجاج و اهتمام به ماجرای غدیر چنین نقل کرده است:

روزی به همراه گروه بسیاری در منزل حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام بودم. سخن از غدیر و

اهمیت آن به میان آمد. برخی آن را از شعائر اسلامی دانستند و عده‌ای نیز چنین مناسبتی را انکار کردند. بعد از گفتگوی دیگران، حضرت رضا علیه السلام لب به سخن گشود و فرمود: «آسمانیان روز غدیر را بهتر از اهل زمین می‌شناسند. خداوند در بهشت برین کاخ با عظمتی را برای خود اختصاص داده است. این قصر بهشتی تمام زیباییهای عالم را در خود دارد. روز غدیر، درب این قصر بزرگ باز می‌شود. فرشتگان و اهل آسمانها تسبیح گویان به آنجا داخل می‌شوند و در فضای معطر و نورانی‌اش به نام فاطمه زهراء علیها السلام به یکدیگر هدیه می‌دهند. چون روز غدیر به پایان می‌رسد، به فرشتگان گفته می‌شود: به جایگاههای خویش برگردید! شما تا سال آینده مثل چنین روزی از اشتباه و لغزش در امان خواهید بود و بدانید همه این عطایا و موهبت‌های الهی به خاطر عظمت پیامبر ما محمد صلی الله علیه و آله و وصی او علی بن ابی طالب علیه السلام است.»

۱. همان.

امام در ادامه سخن خویش خطاب به ابی نصر بزنطی فرمود: «ای فرزند ابو نصر! هر جا که باشی روز غدیر به سمت مرقد مطهر امیر مؤمنان علی علیه السلام بشتاب! چرا که خداوند متعال گناهان شصت ساله زائران با ایمان آن گرامی را می‌بخشد. در روز غدیر به برادران دینی خود اکرام و احسان کن و مردان و زنان با ایمان را خوشحال و مسرور گردان!»^۱

امام جواد علیه السلام

امام جواد علیه السلام نیز برای احیای حماسه غدیر اهتمام جدی داشت. ابن ابی عمیر می‌گوید: حضرت جواد علیه السلام در تفسیر آیه شریفه «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَوْفُوا بِالْعُقُودِ»^۲ «ای اهل ایمان! به عهدهای خود وفا کنید!» فرمود: «رسول خدا صلی الله علیه و آله در ده مورد برای خلافت علی علیه السلام از مردم پیمان گرفت و به دنبال آن خداوند برای تثبیت و تأکید خلافت علی علیه السلام فرمود: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَوْفُوا بِالْعُقُودِ»؛ یعنی به پیمانهایی که در مورد امیر المؤمنین علیه السلام با شما بسته شده، وفادار باشید!»^۳

امام هادی علیه السلام

هنگامی که معتصم عباسی امام

هادی علیه السلام را در روز غدیر احضار کرد، آن حضرت در آن موقعیت حساس به زیارت جد بزرگوارش امام علی علیه السلام شتافت و بانوای ملکوتی و عبارات خویش، فضائل و مناقب علی علیه السلام را بار دیگر در خاطره‌ها زنده کرد. محتوای این زیارت درباره فرهنگ غدیر و زندگی ارزشمند و باشکوه امیر مؤمنان علی علیه السلام است. در این زیارت، محورهای مهم امامت مورد توجه و تأکید امام هادی علیه السلام قرار گرفته است. فضائل علی علیه السلام در قرآن، از جمله آیات ولایت، شراء، بلاغ، جهاد و سایر آیاتی که به عظمت کمالات امیر مؤمنان علیه السلام اشاره دارد، در فرازهای آن مطرح گردیده است. از همه مهم‌تر پرداختن به واقعه تاریخی و حماسی غدیر است.

در بخشی از آن، امام هادی علیه السلام خطاب به جد بزرگوارش امیر مؤمنان علیه السلام عرض می‌کند: «أَشْهَدُ يَا

۱. بحار الانوار، ج ۹۴، ص ۹، با تلخیص.

۲. مانده / ۱.

۳. موسوعة کلمات الامام جواد علیه السلام، گروهی از نویسندگان، نشر نور السجاد علیه السلام، ص ۲۲.

أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْ الشَّاكَّ فِيكَ مَا آمَنَ بِالرُّسُولِ
 النَّامِينَ وَأَنَّ الْعَادِلَ بِكَ غَيْرَكَ عَائِدٌ عَنِ الدِّينِ
 الْقَوِيمِ الَّذِي اِرْتِضَاؤُنَا رَبُّ الْعَالَمِينَ وَأَكْمَلَهُ
 بِوَلَايَتِكَ يَوْمَ الْغَدِيرِ وَأَشْهَدُ أَنَّكَ الْمَغْنِيُّ بِقَوْلِ
 الْعَزِيزِ الرَّحِيمِ وَأَنَّ هَذَا صِرَاطِي مُسْتَقِيمًا
 فَاتَّبِعُوهُ وَلَا تَتَّبِعُوا السُّبُلَ؛^۱ ای امیر مؤمنان!
 شهادت می دهم که هر کس در مورد
 [امامت] تو تردید داشته باشد، به
 رسول اکرم صلی الله علیه و آله که امین خداوند است،
 ایمان نیاورده و کسی که از ولایت تو به
 سوی غیر تو عدول کند، از دین استوار
 خداوند - که پروردگار جهانیان برای ما
 برگزیده و در روز غدیر با ولایت تو آن
 را کامل کرده - برگشته است و گواهی
 می دهم که معنی این آیه تو هستی که
 فرمود: این راه مستقیم من است. از آن
 پیروی کنید و راههای دیگر را پیروی
 نکنید!

و این گونه امام هادی علیه السلام با حماسه
 جاویدان غدیر بر مخالفان احتجاج
 کرد و به خلیفه ستمگر عباسی فهماند
 که حکومت اسلامی باید بر محور
 فرهنگ غدیر که همان رهبری امامان
 معصوم علیهم السلام است، اداره شود و غیر این
 مسیر به بیراهه و خروج از اسلام منتهی

خواهد شد. امام در ادامه فرمود:

«خداوند متعال به پیامبرش وحی
 کرد: ﴿يَا أَيُّهَا الرُّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ
 رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ
 يَفْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ﴾؛^۲ «ای پیامبر! آنچه از
 طرف پروردگارت بر تو نازل شده، به
 مردم برسان! و اگر این عمل را انجام
 ندهی، رسالت او را انجام نداده‌ای.
 خداوند تو را از خطرات احتمالی
 مردم، نگاه می دارد.» آن حضرت نیز
 تمام سختیها، مشکلات و ناراحتیها را
 به جان خرید و پیام الهی را به مردم
 ابلاغ کرد. سپس از آنان پرسید: آیا من
 پیام خدا را به شما رساندم؟ همگی
 گفتند: آری. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: خدایا!
 شاهد باش! سپس به مردم فرمود: آیا
 من برای اهل ایمان از خودشان برتر
 نیستم؟ گفتند: بلی، ای رسول خدا!
 آن گاه به دستور خداوند متعال دست او
 (علی علیه السلام) را گرفت و فرمود: «مَنْ كُنْتُ
 مَوْلَاهُ فَهَذَا عَلِيٌّ مَوْلَاهُ اللَّهُمَّ وَالِ مِنْ وَالَاهُ وَعَادِ
 مَنْ عَادَاهُ وَأَنْصُرْ مَنْ نَصَرَهُ وَاخْذُلْ مَنْ خَذَلَهُ.»

۱. المزار، محمد بن المشهدی، مؤسسه نشر

اسلامی، ص ۲۶۶.

۲. مانده / ۶۷.

از بد سیرتان جدا گردند و اندرون شما آزموده شود تا شما به سوی رحمت او بشتابید و درجات و منازل شما در بهشت معلوم گردد. به همین جهت، حج، عمره، اقامه نماز، پرداختن زکات، گرفتن روزه و عشق به ولایت را به شما واگذار کرد و بدین گونه دری موسوم به فرائض فرا رویتان نهاد تا کلید راه شما به سوی پروردگارتان باشد.

اگر محمد ﷺ و جانشینان او از فرزندان نبوده‌اند، شما همانند حیوانات حیران و سرگردان می‌ماندید و هیچ واجبی از فرائض شرعیه را یاد نمی‌گرفتید. اساساً مگر ممکن است به یک مکانی بدون عبور از درب آن وارد شد! هنگامی که خداوند متعال با برانگیختن اولیای خویش بعد از رسول خدا ﷺ بر شما منت نهاد و نعمت خود را کامل گردانید، فرمود: **«الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا»**؛^۳ «امروز دین شما را کامل کردم و نعمتم را برایتان

فقط عده اندکی به این فرمان خدا و پیامبر ﷺ ایمان آوردند و بسیاری به خسران ابدی گرفتار آمدند.»^۱

امام حسن عسکری علیه السلام

علامه مجلسی در کتاب ارزشمند بحار الانوار می‌نویسد: حسن بن طریف به امام عسکری علیه السلام نامه‌ای نوشت و درباره معنی کلام معروف رسول الله ﷺ در روز غدیر - مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَعَلَيْهِ مَوْلَاهُ - سؤال کرد. امام فرمود: «مقصود پیامبر علیه السلام از این جمله قرار دادن نشانه‌ای بود تا حزب خدا از دیگر احزاب ساختگی و غیر الهی جدا گردد و در زمان اختلاف، حزب الله شناخته شود.»^۲

در روایتی دیگر، امام عسکری علیه السلام با استناد به آیه اکمال به اثبات حماسه غدیر پرداخته، به اسحاق ابن اسماعیل نیشابوری می‌نویسد: «خداوند متعال با رحمت و نعمتهای بی‌کران خویش واجبات شرعی را بر شما مقرر کرد و این عمل خداوند نه به خاطر نیاز به شما، بلکه رحمت و لطفی بود که برایتان عنایت کرد. خدایی که جز او معبودی نیست، با این کار خود خواست تا پاکان

۱. المزار، ص ۲۷۱.

۲. بحار الانوار، ج ۵، ص ۲۹۰.

۳. مانده ۳۷.

می خوانیم: «فَلَمَّا انْقَضَتْ أَبَامُهُ أَقَامَ وَلِيَّتَهُ عَلِيٌّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِمَا وَآلِهِمَا هَادِيًا إِذْ كَانَ هُوَ الْمُنْذِرُ وَلِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ فَقَالَ وَالْمَلَأُ أَمَامَهُ مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَعَلِيٌّ مَوْلَاهُ اللَّهُمَّ وَالِ مَنْ وَالَاهُ وَعَادِ مَنْ عَادَاهُ وَانصُرْ مَنْ نَصَرَهُ وَ اخذُلْ مَنْ خَذَلَهُ وَقَالَ مَنْ كُنْتُ أَنَا وَلِيَّتَهُ فَعَلِيٌّ أَمِيرُهُ»^۱ زمانی که مدت عمر پیامبر صلی الله علیه و آله به پایان رسید، [به دستور خداوند] وصی خود علی بن ابی طالب را - که درود خداوند بر آن بزرگواران و خاندانشان بادا - به [جانشینی خود و] هدایت مردم انتخاب کرد و چون او منذر بود و برای هر قومی هادی هست، پس رسول خدا صلی الله علیه و آله در حالی که همه امت در پیش رویش بودند، فرمود: هر کس را من پیشوا بوده‌ام، پس از من علی او را رهبر خواهد بود. خدایا! دوست بدار، هر کسی که علی را دوست دارد و دشمن دار آن که با علی دشمنی کند و یاری کن هر کسی که علی را یاری کند و خوار گردان هر کسی که علی را خوار کند! و باز فرمود: هر کس را من ولی او هستم، علی امیر [و فرمانده] اوست.»

تمام نمودم و اسلام را به عنوان آیین (جاودان) شما راضی شدم.»
و متقابلاً بر گردن شما نسبت به اولیایتان حقوقی مشخص کرد و شما را در ادای آن امر فرمود تا همسران، اموال، خوراک و پوشاکتان بر شما حلال باشد.^۱

امام زمان علیه السلام

امامت و پیشوایی دوازده معصوم علیهم السلام بر امت مسلمان در روز غدیر توسط خاتم الانبیاء صلی الله علیه و آله با اعلام امامت علی علیه السلام آغاز گردید و در وجود مقدس حضرت مهدی علیه السلام به عنوان خاتم الاوصیاء پایان می پذیرد؛ چرا که ظهور حضرت مهدی علیه السلام تجلی پیام غدیر و اجرای کامل فرامین خداوند در روز غدیر محسوب می شود. همچنان که در این مقاله ملاحظه شد، هر یک از معصومین علیهم السلام به نوبه خود در احیای فرهنگ غدیر که همان پیشوایی معصومین علیهم السلام بر امت مسلمان می باشد، تلاش کرده اند. اوج ارتباط غدیر را با فرهنگ مهدویت می توان در فرازهایی از دعای ندبه به نظاره نشست. در بخشی از دعای ندبه در مورد عظمت غدیر

۱. علل الشرائع، ج ۱، ص ۲۵.

۲. المزار، محمد بن المشهدی، ص ۵۷۶.